

استراتژی سرزمینهای سوخته

عین‌الدوله، انگلیسیها و عمران خوزستان

دکتر رضا رئیس‌طوسی

رقابتهای دو امپراتوری بزرگ روسیه تزاری و بریتانیای کبیر در قرن نوزدهم در آسیا، گرچه به استعمار مستقیم ایران منجر نشد اما صدمات جبران‌ناپذیری به آن وارد ساخت. در پی گسترش مستعمرات بریتانیا در هندوستان، روسیه تزاری بخشهای مهمی از شمال ایران را، در مواردی با همکاری دیپلماتیک مأموران محلی بریتانیا، به امپراتوری خود منضم ساخت. در موازنه سیاسی که بین رقابتهای مستعمراتی این دو امپراتوری در دو دهه آخر قرن نوزدهم به عمل آمد ایران تلویحاً به عنوان کشور حائل بین هندوستان و روسیه شناخته شد. اما هر دو قدرت، که اکنون به ترتیب در شمال و جنوب همسایه ایران بودند، ظاهراً به انتظار استفاده از فرصتهای آینده، در شمال و جنوب ایران به اعمال نفوذ جدی دست می‌زدند. این اعمال نفوذ به گونه‌ای بود که در واقع سرنوشت این مناطق را به شدت تحت تأثیر قرار می‌داد.

روسیه تزاری می‌کوشید تا با ناامن کردن منطقه شمال از کشاورزی در آن جلوگیری کند و حتی الامکان آن را خالی از سکنه نگهدارد تا، در نتیجه، انضمام این مناطق را به هنگام فرا رسیدن شرایط مناسب تسهیل کرده باشد. انگلیس مناطق جنوب غربی و شرقی، به ویژه خلیج فارس، خوزستان و سیستان، را جزو حوزه اختصاصی نفوذ خود می‌دانست و هیچ طرح آبادانی در این مناطق جز با کنترل کامل آن کشور نمی‌توانست به‌اجر گذاشته شود. رقابتهای دو قدرت نه تنها از توسعه این مناطق جلوگیری کرد بلکه در عمل موجب تخریب آن شد. اعمال چنین سیاستی این مناطق را در دهه اول قرن بیستم به «سرزمینهای سوخته» تبدیل کرد. نوشته زیر چگونگی اعمال این سیاست را در خوزستان به تصویر کشیده است.

بهره‌وری از امکانات گسترده طبیعی خوزستان تمدن بزرگی را در گذشته به ارمغان

آورده است که درباره آن سخن بسیار رفته است. شبکه‌های وسیع آبیاری در خوزستان قبل از دوران ساسانیان (۲۲۴ - ۶۵۲م) ساخته شده بود. سدهایی که بر رودخانه کارون احداث شد آب این شبکه‌ها را تأمین می‌کرد. منابع تاریخی به کزرات از بندهای روی رودخانه دجیل (کرن/ کارون)، به ویژه از اهواز به بالا، نام برده‌اند. عموماً بر این عقیده بوده‌اند که آب به دست آمده از سدهای مذکور برای زراعت و به خصوص کشت نیشکر بوده است. برای مثال دو فرسخ بالای بند میزان بندی از سنگ و ساروج بوده که بند دختر نام داشت و دو نهر از دو طرف رودخانه سمت به مغرب، به چم محمدعلی بیک و سمت به مشرق، به ریگستان عقیلی می‌رفته، یک فرسخی پائین سد شوشتری، بندی است موسوم به بند ماهی که در اطراف آن آثار چرخابها نمایان است. پائین تر بند قیر است که به جهت استحکام به جای ساروج، قیر آب کرده و به کار برده‌اند.

در خصوص کانال‌کشیها، هرودوت مورخ یونانی می‌گوید به امر کوروش (۵۵۹ - ۵۲۹ پیش از میلاد) ۱۸۰ نهر آب در طرف راست و ۱۸۰ نهر دیگر در طرف چپ کارون احداث کردند. ۱۲ فرسخ مسافت را بریدند و آب را بدان طرف سر دادند. آنگاه آب را به مجراهای مطلوب جاری کردند و چنان کردند که چهار دانگ آب به رود قدیم گذشت و دو دانگ دیگر، برای مصرف باغها، در رودخانه گرگر جاری شد. درباره احداث سد شادروان و نهر مشرقان، که به دستور شاپور اول (۲۴۱ - ۲۷۳م) ساخته شد، اصطخری، مورخ قرن ششم، در مسالک و ممالک می‌نویسد: «به حکم آن که شوشتر بر بلندی نهادست سابورین شادروان فرمود تا آب بالا گیرد و بر زمین شهر برآید و از ناحیت شوشتر رودی می‌رود، آن را نهرالمسرقان (المسرقان) خوانند و چون به لشکر (صحرای عسگر) رسد جسر عظیم برو بسته‌اند و در این آب از لشکر به اهواز روند ... و آب همه بر کار گرفته باشند و به نیشکر و کشتزارها... و باغات و بساتین به عمل آوردند و زراعت خیلی زیاد شد و آبادی به در جه‌ای رسید که صحرای عسگر و اراضی داریان را زمین مینو نام نهادند.»

خاوند شاه ابن محمود (میرخواند) در روضةالصفاء در مورد وسعت کشت نیشکر در خوزستان می‌نویسد: «از طرفین سد اهواز نهرهای عظیم و عریض جاری بوده است. اولی، به طرف حویزه (هویزه) و محمره تا حوالی شطالعرب می‌رفته و ثانوی، به حوالی فلاحیه و تا حدود رود «جراحی» امتداد داشته است. این انهار همگی به جهت زراعت و آبیاری بوده و غالب آن زراعت نیشکر بوده که شبی هزار دینار مداخل آنجا در خدمت خلیفه عباسی حاضر می‌شد.»

برخی بر آن‌اند که در قرن ۱۲ میلادی، هنگام جنگ صلیبی، شکر را از سوریه به اروپا بردند و ظاهراً قرن‌ها پیش از میلاد مسیح استفاده از آن در ایران معمول بوده است و چه

بسا که از طریق دریا نیز به سایر نقاط جهان برده شده است.^۱ در دوران ساسانیان، مالیات دریافتی از خوزستان به ۵۰ میلیون درهم بالغ می‌شد.^۲

گزارش‌های انگلیسیها، که از قرن نوزدهم به این منطقه چشم دوخته بودند، نشان می‌دهد که آنها اطلاعات گذشته از تمدن این منطقه را با بررسیهای مشخص محلی درهم آمیخته و از حاصلخیزی شگفت‌انگیز و از وجود آثار باقی‌مانده سیستمهای آبیاری گذشته به خوبی آگاه بودند. اما ترمیم و بهره‌برداری از وضع بارور طبیعی منطقه را صرفاً در گرو سیاستهای استعماری خود قرار دادند. در مطالعه‌ای که لرد کرزن در اواخر دهه ۱۸۸۰ در محل از خوزستان به عمل آورده است می‌نویسد که خاک آبرفتی خوزستان به نحو اعجاب‌آمیزی حاصلخیز است. وی با اشاره به پنج رودخانه جاری استان و شبکه‌های گسترده آبیاری آن خاطر نشان می‌سازد که خوزستان بیش از هر منطقه دیگر در ایران آب فراوان دارد، دارای ذخائر طبیعی سرشار است، و قابلیت تولید حجم عظیمی از غلات و دیگر محصولات را داراست.^۳ سر هنری دروموند ولف، سفیر بریتانیا در تهران ۱۸۸۱، همچون کرزن در مورد حاصلخیزی خوزستان می‌نویسد:

تنباکو، برنج، خرما، غلات به خصوص جو، پنبه، نیل، و تریاک در همه جا قابل کشت است. زمانی شکر بسیار فراوان بوده است، پارچه چادری و پشمی ضخیم به‌طور گسترده تولید می‌شده است. نفت سفید و قیر نیز تولید می‌شده و آثاری از سیستم آبیاری قدیم وجود دارد. خوزستان با کمی توجه می‌تواند به صورت مصر دومی درآید.^۴

لرد کرزن، که از طریق رودخانه یا با اسب در خوزستان سفر کرده، می‌نویسد که از میان هزاران کیلومتر اراضی فوق‌العاده حاصلخیزی عبور کرده که ظرفیت تولید گندم، جو، پنبه، ذرت، برنج، و غیره را با هر گونه تسهیلاتی برای آبیاری در سطحی وسیع داراست، اما «خاک برهنه و متروک با بوته‌های کوتاه و پراکنده و برکه‌های باتلاقی رها شده است. کمی به سمت شمال، انگور و هر نوع میوه دیگری را به سادگی می‌توان کاشت و کشت گیاهان دارویی بسیار با ارزش نیز امکان‌پذیر است. چر آگاههای پربار برای

۱. اطلاعات بالا را با تغییراتی مرهون گزارش آقای سیدعلی آیت‌اللهی، مشاور سازمان برنامه و بودجه، هستم. این گزارش در سال ۱۳۶۱ با عنوان «کشت و صنعت‌های نیشکر هفت‌تپه و کارون» به سازمان برنامه و بودجه داده شده است.

. A a A r t r e a r a e a r t e t e r r a e e l
A r l . I . II . II .
. e r e r . e r a a t e e r a e t . l . . .
. e r r . a e e t . a a a l

پرورش گله‌های گوسفند و بز که تولید پشم آن در آمده‌های سرشار به ارمغان می‌آورد، در همه جا به چشم می‌خورد.»

کرزن ادامه می‌دهد که جمعیت ایران به دلیل از هم‌گسیختگی نظام آبیاری کشاورزی به نحو وحشت‌آوری کاهش یافته است؛ با این حال، طبیعت در خوزستان در سخاوت و پرباری همتایی ندارد. اگر در دشتهای آن سیر کنید، بعضاً تا ساعتها با هیچ انسانی برخورد نمی‌کنید، در حالی که با تغییر اندکی در شرایط، کل منطقه می‌تواند پر از حیات و صنعت شود.^۱ کرزن معتقد است که خوزستان با کمی توجه و برنامه‌ریزی می‌تواند تبدیل به یک حوزه وسیع تولید غله گردد و در آمده‌های لازم را روانه خزانه خالی ایران کند؛ ولی ستم دولتی و جنگهای ایلاتی، به عنوان مهمترین عوامل، «خوزستان را مبدل به بیابان وسیعی کرده است که تا کیلومترها چشم انسان به هیچ چیزی برخورد نمی‌کند.»^۲

این نکته را نباید از نظر دور داشت که ایلات اصلی منطقه، اعراب و بختیاریها، هر دو در قرن ۱۹ از نزدیک با انگلیسیها همکاری داشتند و عملاً تحت کنترل آنها بودند. علاوه بر این، رؤسای ایلات کعب، از جمله شیخ خزعل، که حوزه اقتدارشان کمی بالاتر از بند قیر پایان می‌یافت، نفوذ قابل توجهی بر ایلات عرب شرق رود دز داشتند و روابط بسیار نزدیک خود را با بریتانیا همواره حفظ می‌کردند.

با گشایش رود کارون به روی کشتیهای انگلیسی در سال ۱۸۸۸، نفوذ سیاسی و تجاری بریتانیا در جنوب ایران حتی بیشتر شد، تا جایی که آنها در عزل و نصب حکام در ایالات جنوبی مداخله می‌کردند. لرد کرزن در سال ۱۸۹۰ می‌نویسد:

اکنون تجارت وارداتی کل جنوب ایران تقریباً به طور انحصاری در دست انگلیسیهاست. کشتیهای دو شرکت انگلیسی یا هندی به صورت هفتگی از بمبئی به بوشهر تردد می‌کنند. همچنین بین بوشهر و لندن سرویس نامنظمی وجود دارد. شهرهای جنوبی و مرکزی ایران تا شمالی‌ترین منطقه، مثل اصفهان، در حال حاضر بخش اعظم کالاهای لوکس و تقریباً تمام منسوجات خود را از منچستر و بمبئی تأمین می‌کنند. هر شهر تازه و حتی هر روستای جدیدی که به ارتباطات خلیج فارس وصل می‌شود در شبکه کارخانجات پارچه‌بافی لنگشایر و صنعتگران هند قرار می‌گیرد.^۳

۱. e r e r e a r e a e r a t e t e r a
r c e t e a e r a a e t l e e r e l
r e r a
r e a r e r ... t

سر مورتیمور دوراند، سفیر بریتانیا در تهران، در گزارش سال ۱۸۹۹ خود در خصوص تفوق نفوذ بریتانیا در جنوب می‌نویسد:

آنها می‌بینند که مرزهای ما، یعنی مرزهای کلات و دریا، بجز افغانستان حدود ۱۵۰۰ مایل با مرزهای آنان اشتراک دارد. این را نیز به خوبی می‌دانند که روسها نمی‌توانند در جنوب و جنوب شرقی به آنها کمک کنند و اینکه اقتداری را که در ایالات خلیج فارس هنوز اعمال می‌کنند اگر متکی به حمایت ما نباشد، به تحمل ما بستگی دارد. برای مثال، بندر لنگه اکنون در اختیار شیخ عربی است که ایرانیها او را حاکم می‌دانند و شورش کرده است. آنها هیچ قدرتی برای سرکوب شیخ ندارند و از من خواسته‌اند تا برای سرکوب او یک قایق توپ‌دار بفرستم. او نیز به شدت خوشحال خواهد بود که فردا پرچم ما را به اهتزاز در آورد. در کارون نیز عربها حاکم و آماده هستند تا با کلمه‌ای از طرف ما تفوق دولت ایران را به دور اندازند. بنادر خلیج فارس، یعنی محمره، بوشهر، لنگه، بندرعباس مورد ترحم کشتیهای ما هستند. احترام ایرانیها نسبت به قدرت ما آنقدر زیاد است که حتی در دورترین نقطه شمالی منطقه ما، یعنی در میان مردم متعصب و خرافاتی شهر اصفهان، هرگونه قدرت‌نمایی ما بیدرنگ اثر می‌گذارد.^۱

عقب‌ماندگی خوزستان، که وضع آن به رغم غنای فراوانش بهتر از سیستان نیست، بی‌تردید در اصل به علت قرار گرفتن آن در حوزه نفوذ بریتانیاست. روی هم رفته، انگلیسیها این حق را برای خود قائل بودند تا با هر طرح و برنامه‌ای برای تغییر در منطقه، که احتمال داده می‌شد بر سیاستها و تجارتشان اثر داشته باشد یا حتی از منافعشان بکاهد، به مخالفت برخیزند.

این دولت بریتانیا بود که به ناصرالدین شاه فشار آورد تا اعطای امتیاز توسعه خوزستان به یک شرکت فرانسوی را در اوائل نیمه دوم قرن نوزدهم لغو کند. طرح مجددی برای توسعه خوزستان از طرف فرانسویها تسلیم دولت ایران شد. طرح مزبور در شورای دولتی ایران مورد تصویب قرار گرفت. فشار بریتانیا به شاه این مصوبه را مجدداً در سال ۱۸۷۸ به بوته فراموشی سپرد. بازسازی سد اهواز، احیای دوباره کانالهای آبیاری و به زیر کشت آوردن قطعات وسیعی از اراضی حاصلخیز خوزستان جزو این طرح بود.^۲

۱. ... r er. a etter t e er a ... a a e tra Ara a. a tta

er te et er et rt .l art .l l .

در سال ۱۹۵۳ یک مهندس هلندی، به نام گرت وان روگن، درخصوص بازسازی سد و شبکه‌های آبیاری رود کارون به بررسی پرداخت. وان روگن در سال ۱۹۵۲ به استخدام دولت ایران در آمده بود تا به ساختن پل و دیگر کارهای عمومی در منطقه کارون بپردازد و نیز در مورد بهترین راههای تعمیر سد اهواز مطالعه کند. طرح این بود که شبکه آبیاری و سدهای موجود شوشتر بازسازی شود و در نتیجه ناحیه بین «آب گرگر» و «آب شطیطه» احیا شود.^۱ بخش دیگر، طرح نوسازی سد اهواز و دزفول بود تا زمینه آبیاری اراضی اطراف تأمین شود. این اعتقاد وجود داشت که اگر این سدها به نحو مطلوبی بازسازی شود، به دلیل وجود بسترهای خشک شده رودخانه و کانالهایی که هنوز وجود داشت، آبیاری کل منطقه به سادگی امکان پذیر می‌گردد.^۲ براساس گزارش سر آرتور هاردینگ، سفیر انگلیس در تهران، به وزیر خارجه انگلستان پس از مذاکراتی که بین او و وان روگن در سفارت انجام گرفت، مهندس هلندی به او اطمینان داد هر شرکتی که امتیاز بازسازی سد اهواز را به دست آورد (و یا اگر دولت ایران خود کار را به دست گیرد) ظرف مدت کوتاهی می‌تواند هزینه بازسازی را با اجاره دادن این اراضی حاصلخیز به اعراب جبران کند. هاردینگ در این گزارش ادامه می‌دهد وان روگن کاملاً معتقد بود که در مدت کوتاهی محصولات به قدری زیاد خواهد شد که خوزستان به صورت انبار غله خلیج فارس و شاید مناطق دورتری درآید.^۳ از سوی دیگر، با توجه به اهمیت بازسازی سد، روزنامه بلژیکی لتوال بلژ نوشت که دولت ایران درگیر به اجرا در آوردن دو طرح بسیار با اهمیت است؛ احداث یک بندر در دریای خزر در شمال و توسعه دشتهای ساحل رود کارون در جنوب. این روزنامه ادامه می‌دهد: «در خوزستان اراضی وسیعی وجود دارد که در زمانهای قدیم از طریق شبکه‌ها و کانالهای آبرسانی آبیاری می‌شده و آثاری از آن کانالها اکنون پیدا شده است. این اراضی، حاصلخیزی از دست رفته خود را باز خواهند یافت».^۴ چشم‌انداز آینده سد تا بدان حد وسوسه‌انگیز بود که یک سندیکای هلندی پیش‌پرداخت کلانی را به دولت ایران پیشنهاد کرد. این مبلغ به عنوان تضمین درآمدهایی بود که آنها امیدوار بودند از حاصل کارشان به هنگام تمام شدن بازسازی سد به دست آورند.^۵ وان روگن گزارش مطالعات خود را در ۷ ژوئن ۱۹۵۴ به مظفرالدین شاه تسلیم کرد. هزینه طرح ۴۰۰ ۰۰۰ لیره استرلینگ تخمین زده شده بود. روگن برای اجرای طرح سه

۱. t ar et era. re . ar l . . l l .
 . a r B r t t t c er ct a. re . l ar l . . l l .
 . ar et a e. . a e l . . l l .
 . ra at a art e t e Be e l e te er l . . . l .
 . e r et r ar re . . l era a ar l . . l l .

پیشنهاد ارائه داد: ۱- ساخت سد از سوی دولت ایران؛ ۲- از سوی یک شرکت ایرانی؛ ۳- از سوی یک شرکت خارجی. سر آرتور هاردینگ به وزارت خارجه انگلیس گزارش داد که آقای نوز، تبعه بلژیک، که در آن زمان وزیر گمرکات ایران بود، به وی اطلاع داده که شاه مجذوب طرح شده و با اعطای هر امتیازی به بیگانگان شدیداً مخالفت کرده است. به گفته نوز، شاه آماده است تا فرمان شروع کار را برای یک دوره ده ساله به دولت ایران صادر کند. برای به انجام رساندن این کار دولت ایران سالانه معادل مبلغ ۴۰ ۰۰۰ پوند استرلینگ اختصاص داده است، و شاه نیز بخشی از درآمد شخصی خود را صرف این امر خواهد کرد.^۱ هاردینگ در گزارش خود ادامه می‌دهد که، به اعتقاد نوز، تجار ایرانی مبالغ مورد نیاز برای طرح را فراهم خواهند ساخت.^۲ هاردینگ می‌نویسد: در پاسخ این سؤال او که شاه چگونه پول فراهم خواهد کرد و درآمد شخصی او چه مقدار است، نوز پاسخ داد:

اکنون که کسری بودجه دولتی تحت رژیم کاملاً اقتصادی عین‌الدوله ترمیم شده است، تأمین سالانه مبلغ ۴۰ ۰۰۰ پوند برای طرح‌های عمرانی نمی‌تواند از توانایی این وزیر خارج باشد. در مورد سؤال دوم، اینکه ذخائر شخصی شاه چقدر است، او معتقد بود که شاه بیش از یک میلیون پوند استرلینگ در اختیار دارد... که احتمالاً نقد نیست. اگرانبوهی از مروارید و جواهرات او را اکتاریگذاریم، نقدینگی اش ۵۰ ۰۰۰ لیره استرلینگ است که اگر به طرح اختصاص یابد، در حدود یک سال می‌تواند جذب شود.^۳

عین‌الدوله پس از عزل امین‌السلطان در سپتامبر ۱۹۰۳ به عنوان رئیس شورای وزیران منصوب شد و در ۲۵ ژوئن ۱۹۰۴ به فرمان شاه به نخست‌وزیری رسید. هاردینگ درباره سیاست خارجی عین‌الدوله به لندن گزارش داد که وی به خارجیان سوءظن دارد و مصمم است از نفوذ آنها در کشور جلوگیری کند، و به نظر می‌رسد که هدف عمده عین‌الدوله حذف همه مداخلات خارجی در امور داخلی کشور است. به خصوص در مسائلی مانند دخالت در انتصاب حکام ایرانی و تقاضا برای اخذ امتیازات تجاری، جاده، تلگراف، و غیره مقاومت می‌کند. هاردینگ ادامه می‌دهد که سیاست او را شاید بتوان چنین خلاصه کرد: تا جایی که ممکن است جلوگیری از هر نوع نفوذ اروپائیان با در نظر گرفتن اندکی تفوق برای انگلیسیها نسبت به روسها به عنوان یکی از دو بیگانه‌ای که

1. ar et a e . . a e l . . l l .

. ar et a e . . a e . l . . l l .



نوز بلژیکی و عده‌ای از خارجیان مقیم تهران در لباسهای ایرانی (۱۹۳۰ - ۱۱)

دارای شرارت کمتر است.^۱ عین‌الدوله در نخستین گام برای جلوگیری از نفوذ بیگانه، به مطالعه جدی مشکلات مالی پرداخت. نوزبه هاردینگ اطلاع داد که عین‌الدوله خطر هر نوع وام خارجی دیگر را درک کرده و دلایلی کافی وجود دارد که وی با اصلاحات مالیاتی بتواند نیازهای مالی دولت را تأمین کند.^۲ در همان ماه که عین‌الدوله به قدرت رسید هاردینگ نظر خود را درباره او چنین به وزارت خارجه گزارش داد:

... تا آنجا که من توانسته‌ام دریابم، عقاید کلی عین‌الدوله این است که با روشهای بدوی شرقی حکومت کند. از تقلید از اروپا یا استخدام اروپاییها در دولت جلوگیری کند... خزانه را، نه با وامهای خارجی، بلکه با اخذی از طریق روشهای قدیمی جا افتاده از حکام و مردم پر کند، و از هر نارضایتی و اعتراضی با به کارگیری بی‌مضایقه اقدامات شدید جلوگیری کنند.^۳

1. ar et a e. . e ra a ar l l . . . 1 . .
 . ar et a e. . l e ra t er l l l . . . 1 1 .
 . ar et a e. . a e te er l . . . 1 1 .

در سال ۱۹۰۴ دولت عین‌الدوله سه بخشنامه برای نمایندگیهای خارجی در تهران ارسال نمود. هاردینگ به وزارت خارجه انگلیس هشدار داد که اگر دولت ایران مفاد این بخشنامه‌ها را به اجرا درآورد این امر بر شرکتهای خارجی در ایران به شدت اثر خواهد گذاشت. مفاد این بخشنامه‌ها عمدتاً به شرح زیر بود:

- هیچ تبعه ایرانی که دارای امتیازی در ایران است نمی‌تواند برای فروش، انتقال، یا اعطای امتیاز خود با اتباع خارجی وارد معامله شود. هرگونه تخطی از این حکم منجر به ابطال امتیاز خواهد شد.
- هیچ زن مسلمان در آینده نمی‌تواند در کارخانه‌های ابریشم‌بافی غیرمسلمانان کار کند.
- هیچ تبعه خارجی در آینده بدون کسب اجازه از دولت ایران نمی‌تواند در ایران کارخانه احداث کند.^۱

عین‌الدوله خود در کمیته‌ای کار می‌کرد که از طریق بازسازی سدها و کانالهای منطقه در جستجوی بهبود وضع کشاورزی خوزستان بود. دولت بریتانیا در نظر داشت تا با اعمال قدرت، که به اندازه کافی از آن برخوردار بود، از اجرای هر طرح آبادانی از سوی ایرانیها در جنوب جلوگیری کند. به نظر آنها چنین طرهایی می‌توانست سیمای جنوب ایران را تغییر دهد و این کار با حفظ موقعیت امپراتوری بریتانیا در آن منطقه مغایرت داشت. دولت انگلیس از نفوذ دیرینه قابل ملاحظه‌ای در دربار، در میان دولت و متنفذان و اعیان جنوب ایران برخوردار بود. علاوه بر این، انگلیسیها دارای بهانه‌های دیپلماتیک فراوانی بودند که می‌توانستند از آنها به طور مستقیم برای متوقف کردن طرح آبادانی جنوب استفاده کنند یا به کارگیری شیخ خزعل و سایر متنفذان جنوب غیرمستقیم از آنها سود برند. اسناد دولت انگلیس و هند بریتانیا به خوبی نشان می‌دهد که آنها به هر صورت مصمم بودند جلوی هرگونه طرح آبادانی در جنوب ایران را بگیرند مگر اینکه در کنترل کامل و اختصاصی آنها باشد. گریست، مدیرکل وزارت خارجه بریتانیا، طی نامه‌ای به وزارت امور هندوستان در لندن اطلاع داد که لرد لنداون، وزیر خارجه بریتانیا، تمایل دارد در جریان ملاحظات یا پیشنهادهای ویلیام برودریک، وزیر امور هندوستان، در مورد طرح آبیاری خوزستان قرار گیرد. گریست به گزارش سر آرتور هاردینگ اشاره کرد مبنی بر اینکه قبلاً یک مهندس هلندی طرحی تهیه و به شاه تسلیم کرده است. طرح مزبور به قدری مورد توجه شاه قرار گرفته که شاه احتمال تأمین هزینه آن را از جیب شخصی خود مطرح کرده است. گریست ادامه می‌دهد: «به این ترتیب، احتمال می‌رود که طرح، دیر یا زود در صورت

1. Arrat e et era l e ar l re ar e t a e
... 1 ...

امکان از سوی دولت ایران به اجرا درآید، و در صورتی که منابعشان برای انجام کار کافی نباشد با حمایت‌های خارجی انجام پذیرد.»

گرسنت خاطر نشان می‌سازد که طرح‌های آبیاری در چنین مقیاس وسیعی ممکن است به‌طور جدی باعث کاهش جریان آب در رود کارون گردد و، در نتیجه، مانع کشتیرانی در آن، که در دست انگلیس‌هاست، شود. البته اگر مهندسان مجربی استخدام شوند ممکن است چنین عواقبی رخ ندهد. اگر دولت ایران تلاش کند که خود، طرح را پیاده کند مجبور به درخواست وام خارجی خواهد شد. اما گمرکات فارس نمی‌تواند در وثیقه هیچ قدرت دیگری جز بریتانیای کبیر قرار گیرد. در عین حال، دولت شاه مطمئناً با هر پیشنهادی مبنی بر فرو گذاشتن درآمد اراضی آن استان نزد خارجیها مخالفت خواهد کرد درست همان‌طور که با پیشنهاد به وثیقه گذاشتن درآمد غلات سیستان مخالفت کرده است. گرسنت ادامه می‌دهد که، اگر لازم شود، بریتانیا می‌تواند با کل طرح، به دلیل اینکه به کشتیرانی بریتانیا لطمه می‌زند، مخالفت کند. «در این صورت، ایران مجبور خواهد شد با وثیقه‌ای که دولت بریتانیا چگونگی گزینش آن را می‌پذیرد و تحت شرایطی که آن دولت آن را تعیین می‌کند از دولت اعلیحضرت وام بگیرد یا اینکه کل اجرای طرح را به یک مؤسسه بریتانیایی بسپارد.»^۱

لرد لنزداون، پس از دریافت نظر برودریک، در اوت ۱۹۰۴ به سر آرتور هاردینگ دستور داد:

اگر چنین طرحی که شما در گزارش خود به آن اشاره کردید در مورد آبیاری کارون به اجرا گذاشته شود، بدیهی است اهمیت دارد که ما کنترل و مدیریت آن را در اختیار داشته باشیم. اگر تحقیقات، رضایتبخش بودن طرح را نشان دهد شاه باید ترغیب شود تا طرح را تحت نظارت بریتانیا تعقیب کند.^۲

حکومت هند در تلگراف محرمانه به ویلیام برودریک تأکید کرد که خود را در این ادعا کاملاً محق می‌داند که طرح‌های آبیاری باید بر اساس خطوط تصویب شده از طرف آن حکومت به‌اجر گذاشته شود، و اضافه کرد امتیاز دیگری که به آسانی می‌توان درخواست کرد این است که حکومت هند نسبت به هر طرح دیگری برای توسعه خوزستان از طریق آبیاری سایر رودخانه‌های آن استان بجز کارون - مثل رودخانه‌های کرخه، شوره، دز و جراحی - باید حق اظهار نظر کامل داشته باشد؛ و اگر لازم شود از منابع غیرایرانی کمک مالی گرفته

1. re et a e. l. re e A t l l . . 1 1
 . a et ar e. l. re e A t 1 . . 1 1.

شود اول باید دولت بریتانیا یا شرکتهای بریتانیایی حق پذیرش یا رد آن را داشته باشند.^۱ بدینسان، لرد کرزن، نایب‌السلطنه هند، به شرطی با این طرح مخالفت نمی‌کرد که دولت بریتانیا کنترل کافی بر روی آن داشته باشد. وی اظهار داشت هرگونه طرحی از این قبیل، حتی اگر با موفقیت به مرحله اجرا درآید، عملاً کارون را به عنوان یک رود قابل کشتیرانی تخریب می‌کند و در نتیجه به تجارت بریتانیا آسیب می‌رساند. به اعتقاد وی، بدیهی است اگر آقایان لینچ کنار زده شوند و مقامهای بلژیکی و مهندسان هلندی یا صاحب‌امتیازان دیگر جای آنها را بگیرند و طرحهای بزرگ آبیاری را از سر جبهه‌طلبی صرف یا علیه منافع بریتانیا انجام دهند، انگلیسیها بازنده خواهند بود. کرزن پیشنهاد کرد: به عبارت دیگر، اگر ما سهم اصلی و تعیین‌کننده‌ای در کنترل داشته باشیم، ممکن است بتوانیم یک نوع از فعالیت تجاری را با نوع دیگری جایگزین کنیم و نیز ممکن است بتوانیم برای کشتیرانی در دشتهای عربستان [خوزستان] راه دیگری را با بهره‌برداری از خورموسی یا یکی از خلیجهای مجاور که به تازگی کشف کرده‌ایم بگشاییم و از آنجا راههای جدیدی به داخل بسازیم.

آنچه من گفتم بر اهمیت فوق‌العاده مشارکت بریتانیا و کنترل مشترک در هر نوع طرح آبیاری کارون تأکید می‌کند. برعکس، اگر چنین طرحی قرار است آغاز شود و ما از منظر هر امر خطیری از این‌گونه کنار گذاشته شویم، در نتیجه، خطر بزرگی متوجه منافع بریتانیا خواهد شد.^۲

به نظر می‌رسد این مسئله که طرح آبیاری به کشتیرانی در رود کارون آسیب می‌رساند و منافع تجاری بریتانیا را در معرض خطر قرار می‌دهد بهانه‌ای بیش نبود. وان روگن در مذاکره‌ای که در ژوئیه ۱۹۰۴ با لرد لنزداون انجام داد این نظر را رد کرد که طرح آبیاری او بر حجم آب رودخانه کارون اثر می‌گذارد. او به لرد لنزداون اطمینان داد «این طرح کاملاً مبتنی بر سرریز آب رودخانه است که در برخی از ایام سال بسیار زیاد می‌شود.»^۳ وقتی سر آرتور هاردینگ در مذاکراتش با عین‌الدوله در ماه دسامبر سؤال مشابهی مطرح کرد او پاسخ داد: آنچه پیشنهاد شده ذخیره کردن آب در سدهای مخزنی معینی است و فقط وقتی که سطح آب کارون در فصل بهار بالاست آب به کانالهای آبیاری هدایت می‌شود. وی ابراز اطمینان

1. ... er et ... a t r. Br r ... re ... l l e ret a e er
 1. 1 ... 1 1.
 2. a cteer t e cr a ... t. 1 ...
 3. r a e t r Art r ar e. ... re e e te er l l ...
 1 ...

کامل کرد که کل حجم عادی آب رودخانه چنان کاهش نمی‌یابد که مانع کشتیرانی شود.^۱ راههای دیگری نیز از طرف انگلیسیها برای تحت کنترل قرار دادن طرحهای آبیاری مورد ملاحظه قرار گرفته بود. از جمله آنها احتمال شکست طرحهای مالی عین‌الدوله بود. صدراعظم در نظر داشت این طرحها را با تحمیل مالی سنگین از طریق مالیات بر مواجب دولتی، افزایش عوارض حمل‌گندم از دهات، و کاهش هزینه‌های دربار به اجرا گذارد. عین‌الدوله، در صورت توفیق نیافتن در طرح مالی خود مجبور می‌شد برای سرپا نگهداشتن اقتصاد ایران و توسعه جنوب تقاضای وام خارجی کند.

بهترین راه برای انگلیسیها این بود که درباریان مظفرالدین شاه را ترغیب کنند تا شاه علیل را متقاعد سازند که برای معاینه پزشکی و استراحت به اروپا مسافرت کند. در چنین صورتی اصرار شاه برای معاینه پزشکی و مسافرت، موقعیت عین‌الدوله را به خطر می‌انداخت. برآوردن این تمایل شاه نیاز به پرداخت تقریباً ۸۰۰ ۰۰۰ پوند استرلینگ داشت که به احتمال بسیار زیاد اخذ یک وام خارجی را ضرور می‌ساخت. در موقعیتی مناسب، شاه برای سفر به اروپا ترغیب شد و ترجیح داده شد که مسافرت در سه ماهه آخر سال ۱۹۰۴ انجام پذیرد. طبق گزارش عباس‌قلی خان نواب، دبیر شرقی سفارت انگلیس در تهران که متولد هند بود، درباریان به شاه گفته بودند که پاریس در اواخر پاییز و در زمستان بسیار مسرت‌بخش و روح‌انگیزتر از تابستان است.^۲ در همین هنگام یکی از اعضای هیئت دولت ایران به جان پریس، کنسول انگلیس در اصفهان، اطلاع داد که شاه با اشتیاق زیادی که برای مسافرت و تغییر آب و هوا و سرگرمی تازه دارد، عین‌الدوله را تحت فشار قرار داده است تا مبلغی نزدیک به ۱۴۰ ۰۰۰ پوند استرلینگ برای هزینه سفر پاییز یا بهار آینده وی به اروپا کنار گذارد.^۳

در ماه اوت، دکتر اشنايدر، پزشک انگلیسی شاه، به سر آرتور هاردینگ اطلاع داد که شاه: در اصول با مسافرت موافقت کرده است، اما مایل است که، برای به حداقل رساندن بدنامی سفر، آن را پس از مسافرت به مشهد انجام دهد زیرا وظیفه هر شاهی است که یک بار در طول سلطنتش به عنوان تولیت به غبار رویی حرم امام رضا بپردازد.^۴

از اظهارات بالا تلویحاً چنین برمی‌آید که دست‌کم سفر پیشنهادی مطابق میل خود شاه نبوده است. سفیر بریتانیا، که گزارش بالا را به لندن ارسال کرده، اظهار نظر می‌کند:

1. ar e t a e . . era e e er l . . l .
 . ar e t a e . . II er eta era a l l . . l l .
 .
 . ar e t a e . . eta a A t l l . . l .

تقریباً قطعی است که اگر شاه در طول زمستان زنده بماند، در فصل بهار دیداری از اروپا خواهد داشت. نیز مسلم است که عین‌الدوله مجبور خواهد شد بین تأمین پول لازم برای این منظور و یا استعفا یکی را برگزیند.^۱

عین‌الدوله، بیخبر از اقداماتی که در پنهان برای ترغیب مسافرت شاه می‌شد، در حالی که همچنان قلباً با این سفر موافق نبود، در ۱۹ مه با هاردینگ تماس گرفت تا دریابد که در صورت نیاز مبرم آیا می‌تواند برای تأمین یک میلیون ۱۶۰ ۰۰۰ پوندی روی حمایت بریتانیا حساب کند. براساس گزارش هاردینگ به لندن، عین‌الدوله در این گفتگو تأکید کرده که «هنوز احتیاج چندانی به پول ندارد و همیشه با مشی نخست‌وزیران قبلی نیز مخالف بوده است که هر کسر بودجه موقتی را با وام‌های خارجی تأمین می‌کردند، و همچنین این تفاوت را وقتی در مسند قدرت بوده با آنها حفظ کرده و امیدوار است این شیوه را همچنان ادامه دهد.» هاردینگ در گزارش خود ادامه می‌دهد: عین‌الدوله در عمل آن قدر اطمینان داشت که از استقراض خارجی خودداری خواهد کرد که از او خواست مسئله را به وزارت خارجه بریتانیا منعکس نکند.^۲

در ژوئیه ۱۹۰۴ نوز، که به‌طور منظم اطلاعات محرمانه دولت ایران را با سفارت بریتانیا در میان می‌گذاشت، به هاردینگ گفت که به شکرانه جنگ روس و ژاپن و شیوع بیماری وبا در ایران درآمدهای گمرکی ایران در سال جاری به‌طور قابل ملاحظه‌ای تقلیل خواهد یافت. بر این اساس، نوز پیش‌بینی کرد که زمان آن رسیده که دولت ایران تقاضای یک وام ۳۰۰ ۰۰۰ پوندی کند.

در جریان مذاکره دیگری که چند روز بعد صورت گرفت، نوز به هاردینگ گفت که عین‌الدوله مبلغ ۱۰۰ ۰۰۰ پوند برای تأمین کاهش احتمالی درآمد گمرکات و نیز مبلغ ۲۰۰ ۰۰۰ پوند برای امور آبیاری پیشنهاد کرده است. خود نوز چنین پیشنهاد کرد:

درآمدهای حاصل از کارهای آبیاری، علاوه بر اراضی حاصلخیز شده با طرح، ممکن است به عنوان وثیقه‌ای فرعی برای وام اضافی گرو گذاشته شود و همچنین تعهد نخست‌وزیر ممکن است با تفاهمی مبنی بر اینکه محدودیت صادرات غله از دشت کارون از این پس برداشته شود همراه گردد ... او پذیرفت ... که ممکن است برای قبولاندن موافقتنامه‌ای با این شرایط به شاه با مشکلات عدیده‌ای مواجه شود، ولی در مجموع از اجرای آن مأیوس نبود.^۳

۱. ...

... ar et a e. .ll er eta era a l . . l l .

... ar et a e. .l er eta a l l . . l l .

سر آرتور هاردینگ به نزداون پیشنهاد کرد که عین‌الدوله را تشویق کند که دولت پادشاهی بریتانیا آمادهٔ مساعدت مالی است تا در ازای آن، سهمی در طرح آبیاری کارون به دست آورد. هاردینگ همچنین اظهار اطمینان کرد که احساس می‌کند اگر عاقلانه و با تحمل در این بازی شرکت کنند احتمالاً همچنان قادر خواهند بود احتیاجات مالی دولت ایران را به نفع خود تمام کنند همان طور که رقیب آنها، روسیه، در گذشته چنین می‌کرده است.^۱ در خلاصه حوادث ماهانه در ایران، مورخ سوم آوریل ۱۹۰۵، می‌خوانیم که عین‌الدوله مدت مدیدی مخفیانه با سفر شاه به اروپا مخالفت کرد و با توسل به روشهای مسامحه خود سعی در به تعویق انداختن آن داشت. وقتی که تلاشهای او به شکست انجامید مخالفت خود را علنی کرد و به موقعیت مغشوش روسیه، ناآرامی در ایران، و وضع بی‌ثبات مالی و نظامی کشور استناد نمود. مخالفتهای او تا وقتی ادامه یافت که اعلامیه‌ای از سوی شاه صادر شد مبنی بر اینکه «او هر کسی را که در هر زمینه‌ای با سفرش به اروپا مخالفت کند دشمن شخصی خود تلقی می‌کند.» فقط در این هنگام بود که عین‌الدوله دست از مخالفت و مقاومت برداشت.^۲ او در عین حال، همچنان سعی کرد همراهان شاه را در سفر اروپا (که هزینه آنها نیز بر عهده دولت بود) به حداقل کاهش دهد. علاوه بر این، عین‌الدوله قصد داشت سایر مخارج سفر شاه را به ۶۰ ۰۰۰ پوند محدود کند. دو سوم از این مبلغ قرار بود از جیب شخصی شاه پرداخت شود و فقط ۲۰ ۰۰۰ پوند باقیمانده از درآمدهای عادی تأمین گردد.^۳

همزمان با طرح ترغیب شاه به سفر و ختشی کردن طرح گسترش کشاورزی در خوزستان، افراد متعددی با نفوذی که خود منافع زیادی در جنوب ایران داشتند در پی این بودند که با کلاً طرح آبیاری را امتوقف کنند یا آن را تحت کنترل بریتانیا قرار دهند. یکی از این افراد نظام‌السلطنه بود. حسینقلی خان نظام‌السلطنه مافی در سال ۱۸۳۶، از تبار کرد، متولد شد. او در این دوران، به تناوب، حکومتهای شیراز، بوشهر، خوزستان، و چند منطقه دیگر را بر عهده داشت. هنگامی که نظام‌السلطنه حاکم خوزستان بود روابط دوستانه‌ای با بریتانیا نداشت. به همین علت با اصرار لرد سالزبوری، وزیر خارجهٔ بریتانیا، از انتصاب به حکومت ایالات مهم و مشاغل برجستهٔ مملکتی برای پنج سال محروم شده بود. وقتی در اوایل آوریل ۱۸۹۹ اعزام یک فرد قوی برای حکومت آذربایجان ضرورت یافت، به تقاضای فوری شاه، لرد سالزبوری از دو سال و نیم باقیمانده دستور برکناری وی از مشاغل مهم صرفنظر کرد. نظام‌السلطنه در سالهای ۱۸۹۹ - ۱۹۰۰، که وزیر آذربایجان

1. t a r e t e r a . r e . A r I . . . I . .

بود،^۱ سیاست دوستی با بریتانیا را در پیش گرفت.

سسیل جی. وود، سرکنسول بریتانیا در تبریز، اطلاعاتی را که درباره نظام السلطنه و برادرزاده‌اش مجیر السلطنه، فرمانده قشون آذربایجان، از آوریل ۱۸۹۹ تا آن زمان به دست آورده این‌گونه جمع‌بندی می‌کند: «آنها نسبت به واقعیت قدرت انگلیسیها و نفوذشان برای منافع عامه در جنوب ایران کاملاً متقاعد شده‌اند.» سسیل وود ادامه می‌دهد که آنها در هر فرصتی به طور جدی مراتب پیوند صمیمانه خود را با دولت بریتانیا ابراز می‌دارند و صریحاً اظهار می‌کنند که منافعی که پذیرش ارادی تفوق بریتانیا در جنوب به بهترین شکل حاصل شده و می‌شود. آنها به وود اطمینان داده بودند که خود و امکاناتشان کاملاً در اختیار دولت بریتانیا قرار دارد و مایلند صداقت خود را به ثبوت رسانند. وود ادامه می‌دهد: «آنها آنقدر اطلاعات به من دادند که من نمی‌توانستم آن را از هیچ منبع دیگری به دست آورم.»^۲ علاوه بر این، ثروت و املاک وسیع این خانواده در استانهای جنوبی ایران نفوذ قابل توجهی به آنها داده بود.

در ژوئیه ۱۹۰۰ سسیل اسپرینگ رایس، کاردار بریتانیا در تهران، گزارش داد: «به نظر می‌رسد نظام السلطنه خدمات ارزنده‌ای در آذربایجان انجام داده است. وی آشکارا مشتاق است که روابط بسیار خوبی با دولت علیا حضرت ملکه داشته باشد.» خدمات نظام السلطنه به دولت بریتانیا به حدی بود که، طبق همین گزارش اسپرینگ رایس، سفارت انگلیس وی را جزو یک «جناح انگلیسی» به‌شمار آورد که از حمایت بریتانیا برخوردار بوده.^۳

نظام السلطنه در سال ۱۸۹۰ نامزد صدر اعظمی بود. در همان سال و در دوران امین السلطان وزیر عدلیه و تجارت و در کابینه عین‌الدوله وزیر عدلیه بود. وی در سپتامبر ۱۹۰۴ با تقدیم ۴۰ ۰۰۰ لیره به شاه وزارت گمرکات را به اجاره خود در آورد. اراضی وسیعی در ساحل غربی رودخانه کارون متعلق به او بود.

در ژوئن ۱۹۰۴ نظام السلطنه به هاردینگ اطلاع داد که عین‌الدوله از او خواسته است به عنوان حاکم سابق خوزستان نظرش را در مورد طرح پیشنهادی وان روگن بدهد، و در عین حال

۱. اهمیت استراتژیک آذربایجان صرفاً به این علت نبود که هم‌مرز روسیه بود، بلکه به این علت بود که این ایالت با جمعیتی نزدیک به ۲ ۰۰۰ ۰۰۰ نفر یکی از پرجمعیت‌ترین ایالات ایران بود. در سالهای ۴-۱۸۹۳ یک چهارم کل درآمد کشور از این استان تأمین می‌شد؛ و در سال ۱۸۹۹ آذربایجان در واقع مرکز تولید غلات ایران بود.

e ra er at t e te a tr te re a a er t
e re ar re ar te ca te a a a te er ae. re
e ret . . . l .
r et a r . a l . . l .

از او پرسیده است آیاوی تمایل دارد نظارت بر طرح را از طرف دولت ایران برعهده بگیرد؟^۱ با پاسخ مثبت نظام السلطنه کلیه اسناد مربوط به طرح در اختیار او، که مورد اعتماد عین الدوله، بود قرار می‌گیرد. نظام السلطنه با در اختیار داشتن گزارش وان روگن، همزمان، به توطئه علیه طرح آبیاری و خود عین الدوله دست زد. نظام السلطنه در مخالفت خود با طرح از حمایت حاج معین التجار، تاجر ثروتمند جنوب ایران، برخوردار بود. معین التجار نیمی از ثروت خود را در املاک کارون به کار انداخته بود. هر دو نفر با بازسازی خوزستان مخالفت می‌کردند. آنها معتقد بودند که اصلاً هیچ تغییری در وضع موجود ضروری نیست و هرگونه افزایش در ذخایر آب از ارضی آنها و محصولاتشان راکه در آن زمان فراوان بود ضایع می‌کند.^۲ نظام السلطنه با یکی از درباریان دیگر به نام معتمد خاقان برای مخالفت با صدراعظم فعالانه تلاش می‌کرد. اما، دسیسه‌های آنها به وسیله درباری دیگری به نام اقبال الدوله افشا شد. اقبال الدوله به پاس این خدمت به وزارت خالصجات رسید. درست اندکی کمتر از دو هفته پیش از اعلام مسافرت مظفرالدین شاه به اروپا (مارس ۱۹۰۵) نظام السلطنه و معتمد خاقان در حضور شاه، عین الدوله، جمع بسیاری از درباریان و مستخدمان قصر شاه به شدت فلک شده و هر دو از تهران تبعید شدند.^۳

اسناد وزارت خارجه انگلیس در مورد اینکه توطئه نظام السلطنه چگونه شکل گرفت سکوت می‌کند. حوادث بعدی نشان می‌دهد که توطئه هر چه بوده، با فرض اینکه بدون مشورت با انگلیسیها هم انجام یافته باشد، با مخالفت جدی آنها روبرو نبود زیرا انگلیسیها در آخرین فرصت کمک کردند تا نظام السلطنه به جای محکوم شدن به مرگ، رنج تنبیه، تحقیر و تبعید را تحمل کند. حادثه هر چه بود، با انقلاب مشروطیت و سقوط عین الدوله، نظام السلطنه بار دیگر در صحنه سیاست ظاهر شد. وی در دوران سلطنت محمدعلی شاه رئیس الوزرا و وزیر مالیه شد (ذیقعه ۱۳۲۵/۱۹۰۷ دسامبر ۱۹۰۷).

فرد با نفوذ دیگری که تشویق شد طرح آبیاری خوزستان را در کنترل خود گیرد یا بر اداره امور آن در دست انگلیسیها پافشاری کند شیخ خزعل، رئیس قدرتمند قبیله کعب و حاکم محمره (خرمشهر)، بود. سرگرد برتون، که در همان زمان از سوی حکومت هند با سمت ناظر سیاسی به خوزستان اعزام شده بود، پس از گفتگو با شیخ خزعل در فوریه ۱۹۰۴ به حکومت هند نوشت که شیخ خزعل «نیز می‌تواند با حرکت هر کشتی بخار غیر انگلیسی در کارون مخالفت نماید و جداً از اجرای طرحهایی مانند پروژه‌های آبیاری

۱. ar et a e . a e l . . l l .

. e ra r r . re . l . . l .

. t ar et et a. re . Ar l . . l .

مهندس هلندی که اکنون از تهران به کارون اعزام شده است جلوگیری کند.^۱ اندکی بعد، دیوید لوریمر، معاون کنسول بریتانیا در محمره که با شیخ خزعل در تماس بود، گزارش داد که شیخ به سختی حاضر است مسئولیت عملیات کارهای آبیاری را بپذیرد. لوریمر ادامه می‌دهد که خزعل به این طرح همچون قصری خیالی نگاه می‌کند. اما، در عین حال، شیخ پیشنهاد می‌کند که طرح بادو شرط مساعدت مالی و تضمین حمایت از سوی دولت بریتانیا قابل اجراست. شیخ خزعل می‌گوید: «طرح آبیاری طرح بسیار بزرگ و مشکلی است، اما بخش وسیعی از عربستان (خوزستان) را به باغی دائمی تبدیل خواهد کرد.»^۲ نوامبر همان سال، حکومت هند به برودریک اظهار داشت که شیخ محمره «حق هرگونه اظهار نظری را درباره طرح دارد و طرح نمی‌تواند بدون رضایت او به اجرا درآید، رضایتی که، با کمترین تردید نسبت به سودبخشی طرح برای او یا ما، ترغیب وی به پس گرفتن آن مشکل نیست.»^۳

منافع شیخ خزعل در جنوب منطبق بر منافع انگلیسیها بود. شیخ از پیش با امضای تعهدنامه‌ای پذیرفته بود که طبق توصیه انگلیسیها عمل کند.^۴ با توجه به امضای این تعهدنامه به نظر نمی‌رسد که دولت بریتانیا نیاز بیشتری به مذاکره با شیخ خزعل در خصوص طرح آبیاری خوزستان داشت.

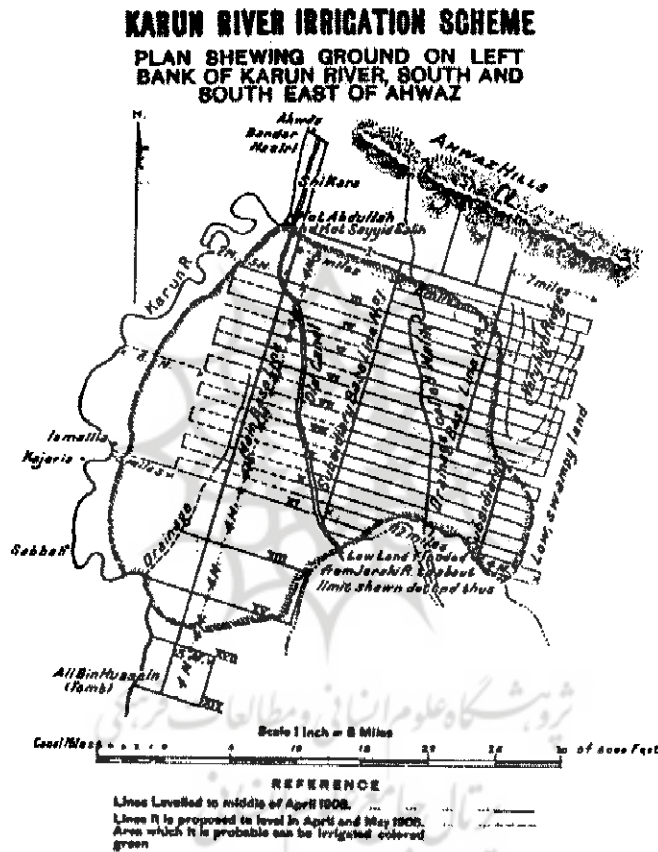
در این میان، عین‌الدوله کاملاً فلج شده بود. به خصوص که با اقدامات صدراعظم سابق، درباریان، حکام ولایات و شاه، که خود تهدید بزرگی در برابر هرگونه پیشرفت ممکن بود، وضع او هر روز وخیم‌تر می‌شد. از آنجا که عملیات طرح از نظر عین‌الدوله «یک ضرورت مطلق برای ایران» بود، در نتیجه وی چاره‌ای ندید جز اینکه برای طرح آبیاری کارون از بریتانیا به طور رسمی تقاضای ۲۰۰ ۰۰۰ پوند وام کند.^۵

در پایان سال ۱۹۰۵، که وضع مالی کشور از هر زمان بحرانی‌تر شده و در نتیجه خطر جدی شورشهای داخلی مطرح بود، عین‌الدوله برای اخذ ۲۰۰ ۰۰۰ لیره وام از طریق سفیر ایران در لندن فشار آورد.

.....

l . are a re rt a r Br t t er et a . re l . l
a a e r ar l . . l l .
. e r er t a r . re . l eta l . .
l .
. e er et a t r. Br r . re . l l e re t a e er l
l . . l l .
. ar e l l e c a era . e e er l Br t a ra e e t t e
e a era . l a l l . . l .
. ar e t a e . era e e er l . . l .

حکومت هند تمایل خود را برای پیش برداخت و ام در خواستی اعلام کرده مشروط به اینکه در صورت اجرای نهایی طرح آبیاری اجرای آن فقط به شرکتی واگذار شود که مورد قبول دولت بریتانیا باشد. این پیشنهاد متکی به مطالعات جدی متخصصان هند بریتانیا و تهیه طرح و نقشه عملی آن بود. یکی از نقشه‌های عملی طرح را برای نمونه درج می‌کنیم.



(Sd) W.R. Mansoor, Major R.E.
 On special duty Arabistan,
 Ahwaz, 26th April 1908.

S. E. Topo. Dy. No. 8274.
 Ed. C. J. A. June 1906.

No. 3,817-I, 1906.

... 1 1

l . a e t r e e . l A r l l . . . l . .

توافقی با شرایط بالا محتمل به نظر می‌رسید، اما عین‌الدوله از آن پس درخواستهایش را افزایش داد. در آن زمان اگر مساعدتی از خارج کشور نمی‌شد امکان داشت اوضاع کشور کاملاً بحرانی شود. عین‌الدوله مشغول مذاکره با هر دو دولت روس و انگلیس شد و در تلاش برای تحصیل وام، می‌کوشید از رقابت این دو استفاده کند. حکومت هند اصرار داشت که پیش از پرداخت هر وامی چهار امتیاز مهم از دولت ایران اخذ شود که طرح آبیاری کارون یکی از آنها بود. در چنین موقعیتی دولت روسیه و انگلستان طی مذاکراتی توافق کردند که به معامله متقابلی در مورد ایران دست بزنند. در طول شش ماهه اول سال ۱۹۰۶ کمتر سخنی از طرح آبیاری شنیده شد. با این حال، در ماه ژوئیه دو استارلر، سفیر هلند در تهران، تمایل خود را برای تحصیل امتیاز آبیاری کارون برای یک سندیکای هلندی به اطلاع دولت ایران رساند. نکات عمده پیشنهاد هلند برای امتیاز به طور خلاصه این بود که مدت امتیاز هشتاد ساله باشد. سرمایه شرکت ۱ ۴۰۰ ۰۰۰ پوند استرلینگ بود که از این مبلغ ۲۰ درصد در هلند و ۴۰ درصد در ایران به کار می‌رفت. قرار شد دفتر مرکزی شرکت در هلند و مدیریت آن عمدتاً با هلندیها باشد.^۱

در دسامبر، اسپرینگ رایس، سفیر جدید بریتانیا در تهران که جانشین سرآرتور هاردینگ شده بود، به سر ادوارد گری، وزیر خارجه بریتانیا، گزارش داد که وزیرمختار هلند مطلوبیت طرح هلند را برای وی شرح داده و به وی گفته است که دولت ایران به آن اظهار علاقه کرده است و علاوه بر این، طرح مزبور جلو امتیازی را خواهد گرفت که به گفته او آلمانها برای اخذ آن فشار می‌آورند.^۲

حکومت هند تمایل خود را برای پرداخت یک وام انگلیسی به منظور حذف مشارکت نامطلوب بیگانه در منطقه کارون به موقع اعلام کرد. علاوه بر این، پیشنهاد کرد که می‌توان به شیخ محمدره کمک کرد تا طرح را به اجرا درآورد.^۳

در ادامه این رایزنیها، سفیر هلند در لندن در برابر سر ادوارد گری به شدت اصرار می‌ورزید که طرح هلند را بپذیرند. به گفته وی دولتهای فرانسه و روسیه با آن مخالفی نداشتند. مذاکرات وی با استقبال چندانی مواجه نشد.^۴ پس از آن، در اوائل ژانویه ۱۹۰۷ سر ادوارد گری به سفیر هلند اطلاع داد که به دلیل اوضاع ناآرام سیاسی در ایران فعلاً

1. e era e rt e a r t e ear l . . . l . . . l . . .

. r e t r ar re . l e ra e e er l l . . . l l .

. a e t er e retar tate r re e . . l a ar l . . .

l l .

. r ar re t r e r e . . l . . . l . . .

اعطای امتیاز آبیاری کارون نمی‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد.^۱ یک ماه بعد، در فوریه ۱۹۰۷، دواستارلر دوباره در تهران با اسپرینگ رایس تماس گرفت. او اطلاعات چندی داشت مبنی بر اینکه سفارت آلمان مخفیانه برای به دست آوردن امتیاز آبیاری رود کارون برای یک گروه کاملاً آلمانی تلاش می‌کند، و این گروه رابطه بسیار نزدیکی با شرکت راه‌آهن بغداد دارد. سفیر هلند ادامه داد که احساس می‌کند تنها راه خشی کردن طرفهای آلمان این است که دولت بریتانیا از پروژه دولت هلند حمایت کند. وی افزود، سفارت روسیه نیز با این نظر موافق است.

در فوریه، اسپرینگ رایس به سر ادوارد گری اطلاع داد که طرحهای امتیاز اهواز در آن موقع در دست بانک درسدن است و متعاقباً بانک ایران در مبادله این امتیاز ناچار است سرمایه لازم را برای اجرای طرح از این بانک آلمانی تحصیل کند. نماینده بانک درسدن نیز همین هفته وارد تهران شده است. اسپرینگ رایس ادامه داد که او و همکار هلندی‌اش معتقدند که بهترین راه برای جلوگیری از طرح آلمان تشکیل بیدرنگ یک سندیکا با مشخصه بین‌المللی و اعزام یک نماینده مالی به تهران و اهواز است.^۲ پیشنهاد اسپرینگ رایس را ادوارد گری و مورلی، وزیر امور هندوستان، پذیرفتند و همزمان با آن شیخ خزعل دوباره به عنوان انتخاب بعدی مورد توجه قرار گرفت.

در مارس ۱۹۰۷، حکومت هند اشاره کرد که ترجیح می‌دهد از تلاشهای شیخ خزعل برای به دست آوردن امتیاز حمایت شود. حکومت هند معتقد بود اگر قرار است امتیاز به یک سندیکای بین‌المللی واگذار شود، برای اطمینان، اقداماتی باید صورت پذیرد که بر اساس آن کل سرمایه سندیکا سرمایه انگلیسی باشد و همچنین برای اجرای طرح باید بیشتر مهندسان انگلیسی استخدام شوند؛ زیرا صرفنظر از ملاحظات سیاسی، استخدام مهندسان انگلیسی به علت تجاربشان در چنین طرحهایی کاملاً توجیه‌پذیر است.^۳ یک هفته بعد، اسپرینگ رایس از تهران گزارش داد که از طریق فرستاده شیخ خزعل مطمئن شده است که خود شیخ مسئولیت کارهای آبیاری را بر عهده می‌گیرد و توصیه‌های کارشناسی تنها نوع مشارکت خارجی است که می‌پذیرد.^۴

سرگرد سر پرسی کاکس، نماینده انگلستان در خلیج فارس، به دهلی گزارش داد در جریان مذاکراتی که با شیخ خزعل داشته، خزعل گفته است شخصاً ترجیح می‌دهد که

۱. r ar re t r e . . l re e a ar l l . . l l .
 . r et r ar re . . e ta era er ar l . .
 l l .
 . er et at r re . . ar l . . l l .
 . r et r ar re . . era ar l . . l l .

وضعیت قلمروش چنان که بوده باقی بماند، البته بجز حجم آبیاری از رودخانه که وی احتمالاً قادر است با پمپهای ماشینی آن را انجام دهد و در این زمینه تجربیات زیادی دارد. در هر حال، اگر یک طرح جامع آبیاری اجتناب‌ناپذیر باشد وی ترجیح می‌دهد که رأساً مدیریت آن را با راهنمایی و همکاری انگلیسیها برعهده بگیرد. بر این اساس، شیخ خزعل با واگذاری امتیاز به هر سندیکای خارجی یا حتی ایرانی مخالفت خواهد کرد. سر پرسی کاکس ادامه می‌دهد که شیخ خزعل خواسته است که وی را در جریان تحولات و تغییر مواضع بریتانیا قرار دهند.^۱

اسپرینگ ریس در گزارش به ادوارد گری اظهار داشت که تصویب طرح بین‌المللی هلند از سوی مجلس شورای ملی ایران بسیار غیرمحمتمل به نظر می‌رسد. شیخ خزعل احتمالاً می‌تواند در موقعیتی باشد که شرایط خود را دیکته کند، مگر اینکه تهران مانع وی شود. در آن صورت، سفارت بریتانیا مسلماً مجاز است از طرف شیخ مداخله کند.^۲ سرگرد مورتون که به همراه چند دستیار از سوی حکومت هند به اهواز اعزام شده بود تا در مورد طرح پیشنهادی وان روگن تحقیق کند و گزارش دهد، تا اوایل سال ۱۹۰۷ هنوز مشغول عملیات شناسایی در منطقه بود. حکومت هند معتقد بود که این طرح یکی از مهمترین طرحهای تجاری و سیاسی است و گرچه آنها توجه دارند که دولت لندن آماده نیست برای تحصیل امتیاز اقدامی انجام دهد، اما به دست آوردن کاملترین اطلاعات درباره موضوع را بسیار مطلوب تلقی می‌کرد. این کار موجب تسلط اطلاعاتی بریتانیا بر وضعیت محلی می‌شد و شرایط را برای اجرای طرح به دست آنها همچنان مطلوب باقی نگه می‌داشت.

در این هنگام موقعیت ایران بی‌ثبات بود. آلمان در خلیج فارس فعالیت می‌کرد؛ و در صورت اجرای طرح آبیاری لازم بود مقدماتی فراهم شود تا کشاورزانی از مناطق دیگر به خوزستان منتقل شوند زیرا جمعیت برای کشت کامل به هنگام آبیاری کافی نبود. افزایش جمعیت در این منطقه، علاوه بر پیامدهای دیگر، سلطه جمعیتی اعراب را، که تحت کنترل اکید شیخ خزعل قرار داشتند، کاهش می‌داد. این عوامل بریتانیا را واداشت تا مترصد فرصتی بهتر شود و در خلال این مدت از طریق شیخ خزعل جلوی هر اقدامی را برای به دست آوردن امتیاز بگیرد. به این ترتیب، توسعه اقتصادی خوزستان همچنان در گرو منافع و مصالح سیاسی دولت بریتانیا باقی ماند.

۱. a r e r . . . (a c c t t e c r a t r a e e r e t a r
t e e r e t a t e r e e a r t e t . . . I I B e r a r I I .
. . . I I .
. . . r e t r e . . . I e r a A r I I . . . I I .